

توحید در ربوبیت (۲)

حضرت زهرا سلام الله علیها در بخشی از خطبه شریف فدکیه می‌فرمایند: «حرم [الله] الشُّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيْمَا أَمَرَكُمْ بِهِ، وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِ نَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ.»^۱

ترجمه: و خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید و باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است؛ زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت.

حضرت زهرا سلام الله علیها در فراز مذکور از خطبه فدکیه، محور اخلاص را در توحید در ربوبیت مطرح می‌نمایند. در مبحث قبل توضیح دادیم که دعوای اصلی میان موحد و مشرک، در توحید ربوبیت خلاصه می‌شود، و گرنه در توحید در خالقیت چندان دعوایی وجود ندارد. در اینجا می‌خواهیم نکته ای بالاتر بگوییم که اصلاً بالاترین و اصلی‌ترین دعوادر طول تاریخ، دعوای بر سر ربوبیت بوده است. اصلی‌ترین نزاع در طول تاریخ، میان جبهه حق و باطل بوده و اصل دعوای این دو بر سر ربوبیت بوده است؛ این که چه کسی باید تدبیر امور انسان را به عهده بگیرد؛ انسان یا خدا. البته برخی از نزاعها در طول تاریخ بوده که میان دو گروه از جبهه باطل بوده است؛ مثلاً دو جنگ جهانی اول و دوم بین دو طرف باطل بوده است؛ این دو جنگ بر سر این بوده که چه کسی سرمدمداری جبهه باطل را به دست گیرد؛ اما این جنگ‌ها اصل جنگ نبوده اند؛ اصل جنگ میان دو جبهه حق و باطل بوده بر سر این که چه کسی باید تدبیر امور انسان را بر عهده بگیرد. در جنگهای میان دو گروه باطل، هر دو طرف متفقند بر این که انسان، خود باید تدبیر امور خود را بر عهده بگیرد و به عبارت دیگر، متفقند بر این که گروه اندکی از انسانها باید ربوبیت اکثریت را بر عهده بگیرند و فقط دعوای بر سر این است که این گروه به عهده بگیرد یا آن گروه. اما در دعوای میان جبهه حق با باطل، دعوای بر سر ربوبیت انسان یا خداست.

^۱ ریاحین الشریعة : ج ۱، ص ۳۱۲

در نسخه های قدیمی شرک، بت‌های چوبی و سنگی، شریک خدا بودند؛ اما در نسخه های جدید، خود انسان، در جایگاه خداوند قرار گرفته است؛ لذاست که مولانا می‌گوید: «اعظم بتها بت نفس شماس/ زان که آن بت مار و این بت اژدهاست»

حضرت زهرا سلام الله علیها بابت این مسأله انذار می‌دهند و هشدار می‌دهند که حق تقوا نسبت به آن باید رعایت شود. نکتهٔ عجیب دیگری که حضرت اشاره دارند این است که مراقب باشید در حالی که مسلمان هستید بمیرید. از کلمات قبلی حضرت معلوم می‌شود که منظور ایشان، مسلمان به توحید در ربوبیت است. پس انسان باید در حالی دنیا را ترک کند که موحد به توحید ربوبی باشد؛ اما آیا صرف این که در لحظهٔ مرگ، اعتقاد به این مطلب داشته باشد کافی است؟ آیا مقصود حضرتشان صرفاً اعتقاد در لحظهٔ مرگ است؟

جواب این است که خیر؛ اعتقاد در حین مرگ کافی نیست. فرعون نیز در لحظهٔ مرگ ایمان آورد و گفت: «حَتَّى إِذَا أَذْرَكَ الْقَرْقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتَ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (یونس / ۹۰)

ترجمه: تا هنگامی که بلای غرق شدن، او را فروگرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند، نیست و من از تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] هستم. اما ندا آمد که «الآن و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین؟» الان که وقت احتضار تو رسیده ایمان می‌آوری در حالی که قبل از این عصیان می‌کردی و جزء مفسدین بودی؟ الان دیگر از تو پذیرفته نیست؛ باید قبل از احتضار ایمان می‌آوردی. ایمان در حال احتضار کافی نیست. باید در طول زندگی خود، ربوبیت الهی را می‌پذیرفتی.

اتفاقاً ادعای فرعون نیز بر سر ربوبیت بود؛ او ندای «أنا ربکم الأعلى» سر می‌داد و دعوای او با موسی بر سر توحید در ربوبیت بود. او می‌گفت نهرها به واسطهٔ من جاری می‌شوند؛ «و هذه الأنهار تجري من تحتي»^۲ فرعون، ربوبیت همهٔ مردم را از آن خود می‌دانست و موسی بر سر همیم مسأله با وی درگیر شد.

حقیقت این است که انسان در حین مرگ، همانی است که در طول زندگی خود بوده است؛ همانی را باز پس می‌دهد که در زندگی انجام داده است. کسانی که بیهوش می‌شوند را دیده اید؟ آنچه که در طول زندگی برای آنها ملکه شده و برای آنها بسیار مهم است در حین بیهوشی انعکاس می‌دهند. در حین مرگ نیز همین‌طور است؛ هر آنچه که در زندگی برای او ملکه شده در حین مرگ نیز همان را انعکاس خواهد داد. در بحث فعلی نیز همین است. اگر انسان در طول زندگی خود، خدا را ربّ خود بگیرد، در حین مرگ نیز همین‌طور از دنیا خواهد رفت. البته که صرف گفتار نیست. هرکس در گفتار و سپس عمل، خدا را ربّ خود بگیرد و در همهٔ شؤون زندگی، برای تنظیم ساختار خود به دستورات خالق خود عمل کند، مرگ او نیز همین‌گونه خواهد بود. پس این که حضرت زهرا س در این بحث به این آیه از قرآن استناد می‌فرمایند به همین معناست.

